



قاتلان دوست داشتنی حیات وحش ایران

ما آشکار شده است می دانیم که حفاظت از آن لازمه رفاه و بقاء نسل بشر می باشد؛ بعلاوه که انسان از نظر زیبایی شناختی همواره به تنوع زیستی علاقمند بوده است. مثلا حس خوبی که از کاشت یک درخت می گیرید، گلدانی که در خانه نگهداری می کنید یا حیوانات خانگی ما از انتخاب جهت دار ما از تنوع زیستی می آید. صبر کنید، قاتلان دوست داشتنی حیات وحش به دلیل همین حس زیبایی شناختی ما و عدم مسئولیت پذیری، به سلامت ما و سایر زیستمدان صدمه می زنند. زیست شناسان حفاظت کسانی هستند که برای حفاظت از حیات وحش کشور می کوشند. آن ها می گویند: «ما در ایران در دوهه گذشته تلاش کرده ایم تا مردم با ارزش سایر گونه ها آشنا شوند و آن ها را دوست بدارند ولی به آن ها نگفته ایم کدام یک را باید دوست داشت؟! آیا اساساً یک گونه مهاجم را می شود با ارزش برشمرد؟». گونه مهاجم به موجود زنده ای گفته می شود که از پیش در یک زیست بوم حضور نداشته و با معرفی شدن به آن زیست بوم باعث بر هم خوردن نظم طبیعی آن و ایجاد خسارت های اقتصادی، محیط زیستی و یا بوم شناختی می شوند. گونه مهاجم به دلیل آنکه به زیست بوم معرفی شده، به آنجا تعلق ندارد و می تواند گونه های رقیب را کنار بزند و مانع از رشد و زایش دیگر گونه هایی شود که

آن ها اولین گوشتخوارانی بودند که اهلی شدند و امروزه با صفاتی چون وفاداری، دوست داشتنی بودن و ... شناخته می شوند. آن ها امروزه برای امداد و امنیت به بشر خدمات می دهند و حتی در برخی از کشورها به آن ها مدال داده می شود. اما این موجودات شگفت انگیز روی دیگری هم دارند که می تواند از آن ها ماشین های کشتار برای حیات وحش کشور بسازد. شاید بپرسید حیات وحش یا در سطحی بزرگ تر تنوع زیستی اصلا چه اهمیتی دارد؟ سگ ها موجودات دوست داشتنی تری هستند؛ می شود با آن ها ارتباط برقرار کرد، به ما خدمت می کنند و ... باید در پاسخ بگوییم که تنوع زیستی غذایی است که ما به دست می آوریم؛ سازمان UNEP در سال ۲۰۰۷ اعلام کرد که سالانه عواید فقط ماهیگیری کره زمین بیش از ۵۸ میلیارد دلار آمریکاست. تنوع زیستی دارویی است که موقع بیماری مصرف می کنیم؛ بیش از ۱۵۰ مورد از داروهایی که بیشترین تجویز را دارند به طور مستقیم و غیرمستقیم از طبیعت منشا می گیرند. و حتی تنوع زیستی اکسیژنی است که ما تنفس می کنیم. در سال ۲۰۰۰ ارزش این خدمات اکوسیستم بالغ بر ۳۸ تریلیون دلار آمریکا برآورد شد که شامل چرخه مواد غذایی، تعدیل اقلیم، کنترل طبیعی آفات و بیماری ها و ... است. حال که ارزش تنوع زیستی و زیستمدان آن برای

به صورت طبیعی در آن منطقه زندگی می‌کردند. زیست‌شناسان حفاظت در سرتاسر دنیا معتقدند که سگ‌های فرال (باز وحشی شده) که با عدم مسئولیت‌پذیری و حمایت ما رشد جمعیتی داشته‌اند تبدیل به گونه مهاجم شده‌اند. برای مثال طبق مطالعات دکتر فرهادی‌نیا و همکاران در سال ۲۰۱۷ سگ‌ها یکی از چالش‌های اصلی گونه در خطر انقراضی چون یوزپلنگ آسیایی هستند. یوزپلنگ آسیایی که روزگاری در سرتاسر خاورمیانه تا آسیای صغیر پراکنش داشت، امروزه ایران آخرین پناهگاه او در جهان است و گفته می‌شود جمعیتی کمتر از ۴۰ فرد دارد. در ادامه چند کارشناس مرتبط با علوم حفاظت از حیات وحش می‌کوشند تا ابعاد مشکلات متعدد سگ‌ها همچون انتقال بیماری، شکار مستقیم، رقابت، القای ترس و استرس و دورگه‌زایی را در حیات وحش برای ما آشکار کنند.

۱. رقابت بین سگ‌ها و سایر گوشتخواران

نگین صمدزاده

دانشجو کارشناسی ارشد مدیریت و حفاظت تنوع زیستی دانشگاه تهران
negsamadzadeh@gmail.com



حساب نمی‌آیند (حیات وحش به کلیه جاندارانی که به صورت وحشی و بدون دخالت و کمک انسان بر روی زمین زندگی می‌کنند، گفته می‌شود) پس از ابتدا و در حالت طبیعی نباید اصلا در طبیعت حضور می‌داشتند؛ ولی به دلیل مداخله انسانی وارد طبیعت شده‌اند.

ب) با این که سگ‌های فرال جاندار به حساب می‌آیند ولی طبق طبقه‌بندی حفاظتی IUCN ارجحیت حفاظتی به جانداران وحشی به خصوص گونه‌های در معرض انقراض مثل یوز آسیایی داده می‌شود. با در نظر گرفتن تمام محدودیت‌های زمانی و اقتصادی به نظر می‌رسد که حذف سگ‌های ولگرد ساده‌ترین و کم هزینه‌ترین راه برای حفظ گوشتخواران دیگر باشد. باید در نظر داشت که تمام بحث‌ها برای حذف سگ‌ها به منظور حذف سگ‌های ولگرد در حاشیه شهرها است و نه سگ‌های اهلی و خانگی.

۲. سگ‌ها و معضل دورگه‌ها

حمید خواجه

فارغ التحصیل کارشناسی محیط‌زیست دانشگاه حکیم سبزواری
hrkhajehd@gmail.com



در کنار تمامی عواملی که باعث آسیب به جمعیت سگ‌سانان وحشی کشور شده است، موضوع هیبرید شدن، دورگه شدن یا آمیزش و زادآوری اعضای متفاوت خانواده سگ‌سانان (سگ، گرگ، شغال)، یکی از معضلاتی است که این گروه از حیات وحش را تهدید می‌کند. سگ‌ها توانایی جفت‌گیری و زادآوری با برخی گونه‌های خانواده سگ‌سانان و به دنیا آوردن فرزندان زایا را از زمان اهلی شدن تا به امروز حفظ نموده‌اند. مطالعات ژنتیکی اخیر نشان داده که دو گونه سگ و گرگ ساختار ژنتیکی نزدیکی به هم داشته که سبب شده این دو گونه در طبیعت و اسارت با یکدیگر جفت‌گیری کنند. به دلیل تشابه بالای ژنتیکی، جفت‌گیری بین این دو گونه و ورود ژن‌های اهلی به درون جمعیت‌های گرگ می‌تواند به عنوان

با افزایش جمعیت سگ‌های ولگرد این موضوع به یکی از چالش‌های عصر حاضر حفاظت تبدیل شده است. آمارها نشان می‌دهد از ۶۱ گونه در معرض خطر انقراض حداقل در ۱۴ مورد سگ‌ها مهم‌ترین عامل تهدید بوده‌اند. سگ‌ها به دو صورت مستقیم (مانند دنبال کردن توله پلنگ توسط سگ فرال در پارک ملی گلستان، حمله سگ‌های گله به یوز آسیایی در پارک ملی توران و میاندشت) و غیر مستقیم (شکار آهو و قوچ و میش توسط سگ‌های فرال در کالمند) می‌توانند بر سایر گوشتخواران تاثیر می‌گذارند.

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا حذف سگ‌های فرال از حیات وحش کار اخلاقی است یا خیر؟ برای پاسخ به این سوال باید چند نکته را در نظر داشت:

الف) سگ‌های فرال جزء حیات وحش به

یک تهدید جدی بر یکپارچگی ژنی گرگ‌ها تلقی شود. افراد دورگه حاصل از آمیزش سگ و گرگ (گرگاس) ویژگی‌های رفتاری و بوم‌شناختی متفاوتی نسبت به گرگ‌های وحشی از خود بروز می‌دهند لذا این افراد می‌توانند مشکلات بوم‌شناختی زیادی را در حفاظت از جمعیت‌های وحشی گرگ به وجود آورند.

در ایران نیز به دلیل بالا بودن جمعیت سگ‌های اهلی یا فرال و حضور در زیستگاه‌های حیات وحش، اختلاط گونه‌های خانواده سگ‌سانان و بروز افراد دورگه محتمل است. گزارشات، تصاویر و مشاهدات زیادی توسط محیط‌بانان، کارشناسان، عکاسان و دوربین‌های تله‌ای وجود دارد که نشانگر حضور سگ‌های ولگرد در عرصه‌های طبیعی به صورت انفرادی یا به همراه گرگ و شغال و جانوران دورگه (سگ-گرگ، سگ-شغال) به صورت مستقل یا به همراه گروهی دیگر از سگ‌سانان است. جانوران دورگه که معمولاً از آمیزش سگ با گرگ یا شغال پدید می‌آیند (این اتفاق در روباه‌ها روی نمی‌دهد) می‌توانند دو نوع مشکل ایجاد کنند: الف) تهدید یکپارچگی ژنی سگ‌سانان وحشی ب) احتمال حمله به انسان و دام هیبریداسیون ممکن است منجر به از دست دادن فرصت‌های زادآوری و کاهش تعداد پرورش دهندگان مؤثر شود. هنگامی که افراد والد یک جمعیت خلوص ژنتیکی خود را از دست بدهند، در امر زادآوری و به دنیا آوردن گونه‌های خالص اختلال ایجاد خواهد شد.

۳. تاثیر شکار کردن سگ‌های ولگرد بر حیات وحش

دانیال نبیری

دانشجوی کارشناسی ارشد حیات وحش، دانشگاه ایالتی هامبولت
daniel.nayeri021@gmail.com



سگ‌ها را بر اساس درجه وابستگی به انسان به ۶ گروه تقسیم می‌کنند که در این مقاله هدف، بررسی گروهی است که کمترین

وابستگی را به انسان داشته و در ارتباط مستقیم با حیات وحش هستند؛ یعنی سگ‌های فرال (باز وحشی شده). سگ‌هایی که توسط انسان به طبیعت معرفی شده‌اند و عضوی از حیات وحش نیستند.

در این میان مهم‌ترین و شایع‌ترین تأثیر آن‌ها، شکار مستقیم است. براساس مطالعه‌ای دیگر، سگ‌ها در دنیا تا به امروز ۱۸۸ گونه در معرض خطر را تهدید کرده‌اند و در انقراض ۱۱ گونه نقش مستقیم داشته‌اند و شکار حیات وحش توسط سگ‌ها کاملاً مستند است. در ایران هیچ گزارشی منتشر شده‌ای در این مورد وجود ندارد؛ اما در چند سال اخیر با انتشار چندین خبر از کشته شدن گیاهخواران و گوشتخواران مختلف توسط سگ‌های ولگرد و خصوصاً از بین رفتن یا تعقیب یوز توسط سگ، دیدگاه‌های مختلف در مورد این موضوع حداقل بین افراد دنبال کننده اخبار محیط‌زیست به یک بحث داغ در فضای مجازی تبدیل شده است.

بحث‌های اجتماعی و اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی بسیار مهم‌اند و تصمیم گرفته شده باید توسط عموم مردم پذیرفته شود. به ویژه اینکه امروزه جامعه در فضای مجازی به هر تصمیمی که گرفته می‌شود، واکنش نشان خواهد داد.

از دیدگاه اخلاقی می‌توان به دو شکل مسئله سگ را بررسی کرد:

الف) دیدگاه کانت: از دید این نوع نگرش سگ‌ها را نباید تحت هیچ شرایطی از بین برد چرا که نفس این کار بد است. این دیدگاه اکثریت عموم مردم است و مشکل آن این است که مشکلات ناشی از سگ‌ها را نادیده می‌گیرد.

ب) دیدگاه بنتام: پیروان این دیدگاه معتقدند که سگ‌ها را حذف کنیم چرا که این کار در مجموع به نفع حیات وحش است و سود گسترده‌تری دارد. این دیدگاه احتمالاً دیدگاه بیشتر مدیران و محققین حیات وحش است؛ چرا که به اولویت در این بین باور دارند. ولی

این تصمیم از نظر عموم جامعه و به ویژه حامیان حقوق حیوانات بسیار نکوهیده است و انجام آن ممکن است به بدبین شدن عموم و سنگدل خواندن حفاظت گریبان (افرادى که به طور مستقیم و فعال در امر حفاظت از حیات وحش مشارکت می کنند) منجر شود.

۴. نقش سگ‌ها به عنوان مخزن انتشار بیماری برای حیات وحش

آصف رضائیان

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت و حفاظت تنوع زیستی دانشگاه گرگان
rezaeianasef@gmail.com



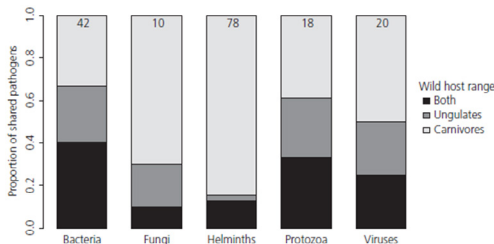
به طور کلی جمعیت حیات وحش تحت اثر عواملی همچون فراوانی منابع، اقلیم، طعمه‌خواری و بیماری محدود می‌شود. درک اکولوژیست‌ها در طی سال‌های گذشته نسبت به عملکرد سه عامل اول بالا رفته است؛ اما همچنان در مورد نحوه تأثیرگذاری بیماری بر حیات وحش دانسته‌های ما محدودتر است. برای مثال علم ما همچنان نسبت به میکروارگانیزم‌های انگلی، تاریخ طبیعی آن‌ها، سیر تکاملی‌شان، گونه‌های واسطه اولیه و ثانویه و میزبان‌ها اندک است؛ اما در این بین آگاهی ما نسبت به گونه‌های اهلی شده‌ای چون سگ‌ها و سایر حیوانات که برای نسل بشر دارای ارزش اقتصادی بیشتری بوده‌اند، به دلیل نزدیکی و دخیل بودنشان در زندگی انسان‌ها، بیشتر شده است. سگ‌ها (*Canis familiaris*) به واسطه دوستی نزدیک با انسان‌ها و کارایی‌هایشان، همراه گونه ما در اقصی نقاط زمین پراکنده شده‌اند و در راستای این پراکندگی بدون کنترل، بعضاً وارد اکوسیستم‌های طبیعی شده و تنوع زیستی جهان را به عنوان ناقل و یا Source انتشار بعضی میکروارگانیزم‌های بیماری‌زا تحت تأثیر قرار داده‌اند. گونه‌هایی همچون شیر آفریقایی (*Panthera leo*)، گرگ ایتالیایی (*Canis simensis*)، فک خزری (*Pusa caspica*) و گوشتخواران دیگری در دهه

نود میلادی تحت تأثیر راه‌یابی سگ‌ها به طبیعت و معرفی عوامل بیماری‌زا به خصوص میکروارگانیزم‌های ویروسی به طبیعت دچار تهدید شدند. اما پرسشی که باید پاسخ داد این است که کدام یک از این عوامل بیماری‌زا دارای اهمیت هستند و نقش آن‌ها در جمعیت‌های حیات وحش چیست؟

(الف) پاتوژن‌ها عامل نگرانی:

در بررسی‌های صورت گرفته بر روی انسان و حیوانات اهلی حدود ۳۸۵ پاتوژن شناسایی شده است که می‌توانند سگ‌ها را آلوده کنند. با مقایسه و تحلیل این آمار توسط بانک اطلاعاتی جهانی GMPD (Global Mammal Parasite Database) از این تعداد ۱۶۸ مورد یعنی حدود ۴۷٪ این پاتوژن‌ها بین سگ‌ها و پستانداران وحشی زئونوز (مشترک) هستند، که تمام سطوح حیات وحش از جمله زوج‌سمان، فردسمان و گوشتخواران را درگیر می‌کنند. بنابراین بخش قابل توجهی از بیماری‌های سگ‌های اهلی با حیات وحش مشترک بوده و در این بین، طبق داده‌های آماری، بیشینه میزبان این درگیری‌ها گوشتخواران وحشی هستند.

دو نکته در این بخش شایان ذکر است: اول، مشاهده و انتقال پاتوژن‌های بیماری‌زا در سگ‌ها و حیات وحش لزوماً به این معنا نیست که مخزن عوامل بیماری‌زا، سگ‌ها هستند؛ چرا که در صورت عدم حضور



نمودار ۱ نسبت میکروارگانیزم‌های بیماری‌زای گزارش شده از سگ‌ها در گوشتخواران، سم‌داران و یا مشترک بین هر دو گروه

سگ‌ها عوامل بیماری‌زا کماکان به حضور خود ادامه می‌دهند. دوم، سگ‌ها به عنوان

یک گونه مهاجم نقش مهمی در اپیدمی پاتوژن‌های مشترک در جمعیت‌های حیات وحش ایفا می‌کنند و جمعیت‌های میزبان در نحوه دسترسی به منابع طعمه‌خواری موثر هستند. هرچند که فقط تعداد انگشت شماری از این عوامل بیماری‌زا که برای حفاظت و مدیریت حیات وحش به طور جدی مخاطره آمیزاند تا کنون شناخته شده‌اند. این عوامل بیماری‌زا شامل سه عامل ویروسی: هاری (Rabies virus)، دیستمپر سگسانان یا CDV (Canine distemper virus) و پاراویروس سگسانان یا CPV2 (Canine parvovirus) هستند.

ب) تاثیر عملکرد اکولوژیکی پاتوژن‌ها بر جمعیت‌های حیات وحش:

از عوامل پاتوژن‌های شناسایی شده که موجب بیماری در حیوانات اهلی گوشتخوار (سگ‌ها و گربه‌ها) می‌شوند، ۹۱٪ آن‌ها عوامل چندگانه اشتراکی هستند. به این معنی که عامل بیماری‌زا فقط مختص یک گونه نبوده بلکه چند یا چندین گونه می‌تواند از آن میزبانی کند

و سگ‌ها می‌توانند به عنوان ناقل اکثر این پاتوژن‌ها عمل کنند. طبق بررسی‌های صورت گرفته منبع (Source) انتقال می‌تواند با توجه به جمعیت گونه هدف مشخص شود. در صورت متصل بودن ناقل به جمعیت‌های گونه‌های حیات وحش و شیوع اپیدمی در جمعیت هدف، می‌توان از آن به عنوان مخزن انتقال نام برد. نکته مهم دیگر در این بین اندازه جامعه زیستی است؛ چرا که توان عامل بیماری‌زا تابعی از جمعیت محسوب می‌شود و احتمالاً پاتوژن‌های بیماری‌زا می‌توانند در جمعیت‌های بزرگ‌تر باقی بمانند اما جمعیت‌های کوچک‌تر جدا افتاده نمی‌توانند یک پاتوژن را در خود حفظ کنند.

مورد قابل توجه دیگر، توان سرریز شدن یا نشدن پاتوژن‌ها در جمعیت‌های میزبان حیات وحش بعد از راهیابی به آن‌ها است. برای مثال طبق مطالعات و مدل سازی‌های انجام شده احتمال ابتلای جگوارها (*Panthera onca*) در بولیوی به بیماری CDV به دلیل تماس با سگ‌های آلوده وجود داشت،



عکس از آصف رضائیان ▲



اما در صورت مبتلا شدن یک جگوار و انتقال پاتوژن به سایر اعضا جمعیت با توجه به تراکم کم این گونه و پراکندگی وسیع آن احتمال شیوع اپیدمی در زیستگاه پایین است. یا در مورد مشابه دیگر در کشور کنیا انتقال بیماری هاری از سگهای اهلی کشاورزان به سگهای وحشی آفریقایی رخ داد؛ اما فرصتی برای فاز دوم انتقال از جمعیت‌های مبتلاء این گونه به سایر جمعیت‌ها مشاهده نشد و ما شاهد رشد جمعیت سگهای وحشی آفریقایی با وجود تلفات گاه‌به‌گاه ناشی از بروز هاری در آن‌ها در کنار جمعیت بالای سگهای اهلی حاشیه شهرهای این کشور هستیم. این داده‌ها به ما کمک می‌کند تا به مهم بودن مبحث توان اپیدمی پاتوژن‌ها با توجه به نقش بوم‌شناسی گونه‌ها بیشتر پی ببریم.

پوریا سرداری

محقق حیات وحش

pourya.sardari3@gmail.com



یکی از مشکلاتی که سگهای بی‌صاحب و یا صاحب‌دار میتوانند برای حیات وحش به همراه داشته باشند، القای ترس و استرس در حیات وحش است. مخصوصاً برای جانورانی که نقش طعمه را در طبیعت ایفا می‌کنند؛ مانند: بعضی از پرندگان و پستانداران کوچک. بر اساس مطالعات انتوس و همکاران در سال ۲۰۱۷ مشخص شده است که در بعضی از مناطق، چه طبیعی و چه شهری، سگ‌ها (هم سگهای رها شده و هم

سگهای صاحب‌دار) بیشترین فراوانی را میان جانوران شکارگر داشته‌اند. رایبسون و پولیت در مطالعات خود در سال ۲۰۰۲ در تالاب‌های انگلستان متوجه آن شدند که انسان‌هایی که به همراه سگهای خود برای پیاده روی می‌روند دو عامل مهم اختلال و ایجاد ترس در حیات وحش هستند. آن‌ها همچنین به این نتیجه رسیدند که احتمال بالای برخورد سگ‌ها با حیات وحش می‌تواند ناشی از سه عامل باشد: (۱) سگ‌ها یکی از متداول‌ترین همراهان انسان هستند. (۲) سگهای رها شده قادراند که مساحت‌های زیادی از زیستگاه را پرسه بزنند و مدام در حال حرکت هستند. (۳) سگ‌ها همه ساله در زیستگاه حضور دارند و الگوهای مشخص مهاجرتی ندارند.

مطالعات فراوانی بر روی اثر سگهای رها شده و همچنین سگهای صاحب‌دار بر روی پستانداران و پرندگان در مکان‌های مختلف دنیا انجام شده است. اما در ایران مطالعات دقیقی تا به امروز وجود ندارد. چکیده این مطالعات شامل موارد زیر می‌باشد:

الف) اثر سگ‌ها بر پرندگان:

پرنده‌ها به طور متداول با سگ‌ها برخورد می‌کنند. اگر چه اکثر برخوردها در سواحل و پارک‌ها گزارش می‌شود و اکثر این گزارشات مربوط به سگهای صاحب‌دار است. اطلاعات بسیار کمی وجود دارد که نشان دهنده آن باشد که سگ‌ها عامل اصلی ایجاد اختلال در زندگی پرنده‌ها هستند؛ اما اثر آن‌ها را نمی‌توان بر زادآوری پرنده‌ها نادیده گرفت. به عنوان مثال، سگ‌ها یکی از عاملان تخریب لانه و خوردن جوجه‌ها در پرندگانی هستند که در سواحل لانه سازی می‌کنند؛ که این امر باعث ایجاد ترس در پرنده شده و می‌تواند سبب شود که پرنده دیگر در آن محل لانه‌سازی نکند.

ب) اثر سگ‌ها بر پستانداران:

بر خلاف پرندگان، که محققان به راحتی اثرات سگ‌ها را بر روی آن‌ها ثبت می‌کنند، ثبت اثرات برای پستانداران بسیار مشکل‌تر می‌باشد. در مناطقی که سگ‌ها با صاحبانشان

حرکت می‌کنند، احتمال برخورد سگ با پستانداران بزرگ جثه بسیار کمتر است. در مورد سگ‌های بی‌صاحب، همچنین برخورد سگ‌ها با پستانداران بزرگ جثه کم‌تر از برخورد آن‌ها با پستانداران کوچک جثه است. شاید به این علت که سگ‌ها پستانداران کوچک جثه را راحت‌تر شکار می‌کنند و نسبت به پستانداران بزرگ‌تر بیشتر به دنبال آن‌ها هستند. سگ‌ها به عنوان یک جانور شکارگر وقتی در محیط حضور پیدا کنند، برای جانورانی که نقش طعمه ایفا می‌کنند ایجاد ناامنی کرده و چون در بعضی مناطق سگ‌ها از فراوانی بالایی برخوردار هستند، حضور آن‌ها باعث کاهش حضور پستانداران کوچک جثه می‌شود. در این مورد مطالعات بیشتری نیاز است؛ زیرا فقط یک عامل مانند سگ‌ها نمی‌تواند بر روی حضور پستانداران کوچک، نقش داشته باشد و عوامل دیگری مانند عوامل انسانی هم دخیل هستند.

.....

جمع بندی و ارائه پیشنهادها:

با ردیابی این حوادث و منشاء آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که با وجود میکروارگانیزم‌های بیماری‌زا به خصوص ویروس‌های مشتق شده از سگ‌ها، طعمه‌خواری سگ‌ها از حیات وحش، دورگه شدن و از بین رفتن خزانه ژنی سگ‌سانان وحشی بومی کشور و رقابت بین سگ‌ها و سایر حیات وحش، باید به رسمیت شناختن جمعیت‌های سگ‌ها به عنوان یک گونه مهاجم را قبول کرد. آن‌ها حتی اگر به طور مستقیم با تماس با حیات وحش باعث ایجاد بروز مشکلات نشوند، برآیند رشد جمعیت‌های حیات وحش را تحت تأثیر قرار می‌دهند. با این وجود اقدامات صحیح برای مقابله با این مورد نیازمند همکاری و ارتباط علوم دامپزشکی، محیط‌زیست و حفاظت از حیات وحش در کنار سیاست‌های عمومی است. با توجه به خدماتی که سگ‌ها برای انسان انجام می‌دهند، می‌توان آن‌ها را به چند دسته طبقه‌بندی کرد و برای کاهش تعارض هر کدام

راهکاری اتخاذ کرد. پیشنهاد می‌شود که ترکیبی از روش‌ها استفاده شود تا برای هر منطقه مناسب باشد؛ اقداماتی مانند: آموزش مردم در خصوص عدم رهاسازی سگ‌ها در محیط‌های طبیعی و عدم گذرسانی به آن‌ها در مناطق طبیعی و ساماندهی پسماندها از اقداماتی هستند که باید در ترکیب با هر روش دیگری استفاده شوند، چرا که بسیار مهم‌اند.

سگ‌های گله عشایر نیازمند وضع قوانین از سوی مکاتبه سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور هستند تا تعداد آن‌ها در گله‌های دام عشایر دارای ضوابط خاص باشد. سگ‌های نگهبان باید همواره با موانع فیزیکی از طبیعت اطراف محل حضور خود جدا شوند. درباره سگ‌های ولگرد و فرال تحقیقات نشان داده است تا زمانی که بیش از ۴۰٪ جمعیت سگ‌های ولگرد عقیم نشوند، این عمل تأثیری در کنترل و کاهش جمعیت نخواهد داشت. البته لازم به ذکر است که حتی پس از عقیم‌سازی نیز سگ عقیم‌شده همچنان می‌تواند به طرق مختلفی که بالاتر ذکر شد (بجز دورگه‌زایی) به حیات وحش آسیب بزند. با شناخت مشکلات عدیده فعلی که با حضور سگ‌های ولگرد به حیات وحش مناطق حفاظت شده تحمیل می‌شود و ذکر اینکه ساخت پناهگاه‌ها برای نگهداری سگ‌ها در حاشیه مناطق حفاظت شده‌ای که با این مشکل گریبان‌گیر هستند به دلیل نیازمندی به بودجه‌ی زیاد در آینده نزدیک عملی نمی‌باشد، این موضوع در زیستگاه‌هایی که میزبان گونه‌های آسیب‌پذیر هستند نیاز به برخورد ضرب‌العجلی دارد. با این حال پیشنهاد می‌شود گروه‌های حامیان حیوانات و مخالفین حذف سگ‌های ولگرد بجای غذادهی بی‌رویه، خود با کمک ارگان‌های مربوطه اقدام به تشکیل کارگروه و بنا نهادن این پناهگاه‌ها کنند. در آخر این نوشتار، رفتار غلط شهرداری‌ها و حذف غیر اخلاقی سگ‌ها با تزریق اسید، ضربات سنگین و ... از سطح شهر قابل توجیه نیست و تمامی نگارندگان این مطلب این اقدامات را محکوم می‌کنند.